

تهران مصور

کوهی به نام همسر امام حسین ع



آرامگاه بی بی شهربانو یکی از زیارتگاه های قدیمی شهرری است که بر فراز کوه بی بی شهربانو، مشرف به شهری ساخته شده که در نزدیکی آن چشمه ای روان قرار دارد. همین موضوع باعث شده است که این آرامگاه برای گردشگران محلی برای زیارت و تفریح باشد. برخی منابع تاریخی عنوان می کنند که بنای اولیه اصلی آرامگاه در دوره ساسانی ایجاد شد. از لحاظ ساخت و معماری، بخش جنوب شرق آرامگاه شامل یک چهار گوش منظم و بلند و استوار سنگی است که پوشش آن آجری با طاق ضربی سنگی است که از زمان آل بویه به یادگار مانده. حرم و اتاق بزرگ قسمت جنوبی هم مربوط به دوران ساسانی است. بنابراین گردشگران در این مکان معماری هایی از چند نسل را می بینند. فضای غار مانند در این زیارتگاه وجود دارد که حاجتمندان برای بر آورده شدن آرزوهایشان در آنجا شمع روشن می کنند.

بنای اولیه اصلی آرامگاه در دوره ساسانی ایجاد شد. از لحاظ ساخت و معماری، بخش جنوب شرق آرامگاه شامل یک چهار گوش منظم و بلند و استوار سنگی است که پوشش آن آجری با طاق ضربی سنگی است که از زمان آل بویه به یادگار مانده



دیروزنامه



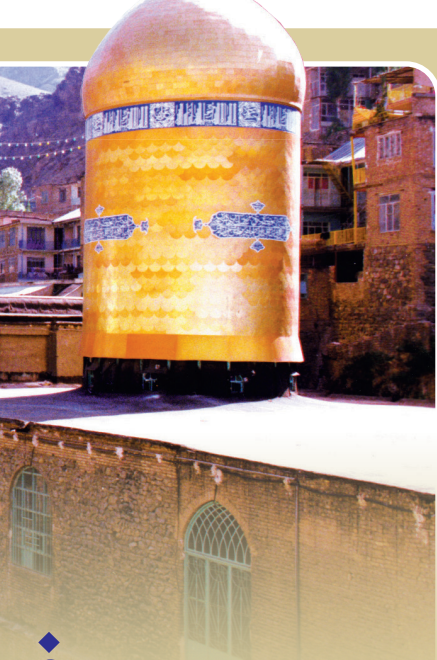
نام امروز پارادایز میانکاله است!

باتوجه به گزارش انتقادی که ۳۰ سال پیش در چنین روزی در صفحه ۷ روزنامه همشهری منتشر شده بود، به نظر می رسد موضوع تخریب طبیعت مربوط به دیروز و امروز نیست و مسئولان و علاقه مندان به محیط زیست ایران باید چشم و گوششان را باز کنند و بیش از گذشته مراقب زمین و طبیعتش باشند. در این صفحه، گزارشگر با تیتیر «پارادایز، اختاپوسی در قلب جنگل ناهارخوران» نقدی بر پروژه ساخت مجتمع مسکونی ویلا ی پارادایز در جنگل ناهارخوران گرگان نوشته و تلاش کرده به هزار و یک دلیل مسئولان و سازندگان این پروژه را از تخریب طبیعت زیبای گرگان منصرف کند که البته این گونه نشد. در مورد پارادایز که کار از کار گذشته، امسا این روزها کمی آن طرف تر، همین ماجرا برای طبیعت زیبای جزیره میانکاله در حال رخ دادن است. تخریب طبیعت به خاطر زیاده خواهی انسان ماجرای که البته رئیس جمهور این روزها به آن ورود کرده است و امیدواریم بتواند حق طبیعت را از انسان های زیاده خواه بگیرد.



۳۰ سال پیش

همشهری



فصل زیارت

گشت و گذار در امامزاده داود که از قدیم در فصل بهار، زیار تگاه شماره یک تهرانی ها بوده است

فاطمه عباسی	همه آنها که «سو ته دلان» را دیده اند، حتما آن دیالوگ معروف در سکانس آخر را به یاد می آورند: آنچه که جمشید مشایخی در راه امامزاده داود، نیم خیز نشسته است بالای سر برادر مرده اش و می گوید: «همه عمر دیر رسیدیم...».
فیلم را علی حاتمی در سال ۱۳۵۶ ساخت؛ فیلمی که نمای روستا و گنبد امامزاده را پایان آن، نمای آشنایی برای تهرانی هاست.	از سال های دور امامزاده داود با مسیر صعب العیورش شهرت یافت. از سال های که باید با قاطر می رفتند تا امروز که یک ساعته به امامزاده داود می رسم، خاتواده ها برای زیارت و گذراندن یک روز شاد در دل طبیعت به زیارت آن می روند و در واقع این امامزاده یکی از مکان های زیارتی و تفریحی و خاطره انگیز برای بسیاری از تهرانی ها بوده و هست.
	بقعه مبارک ایشان در میان دره ای سرسبز در نزدیکی شهر تهران قرار دارد. در گذشته مشقت عبور از معبرهای کوهستانی، سخت و جاده خاکی و پر از سنگ و کلوخ مانع از سفر زیارتی تهرانی ها به بارگاه امامزاده داود (ع) نمی شد. قبل از اینکه جاده امروزی راه اندازی شود مردم باید به فر حزاد می رفتند. شب را آنجا می گذرانند و صبح روز پیاد پای پیاده یا با الاغ کرایه ای خودشان را به امامزاده داود (ع) می رسانند. مسیر کوهستانی و سخت امامزاده داود، البته باعث دوچندان شدن لذت زیارت هم می شد و برای همین بود که یکی از نذرهای رایج در تهران قدیم، نذر زیارت امامزاده داود بود. با این نذر ارادت خود را به انمه و خاندانشان بیشتر نشان می دادند.



مسیر سخت

از چهارراه سرچشمه و دروازه شمیران بالاغ راه می افتادند و خودشان را به فر حزاد می رسانند و بعد وارد مسیر کوهستانی می شدند. در این مسیر کوه ها و استراحتگاه های زیادی وجود داشت که مسافران در آنجا استراحت می کردند و دوباره به حرکت خود ادامه می دادند. ولی وقتی به نعل شکن می رسیدند، گنبد جلبی امامزاده داود (ع) معلوم می شد و مسافران با شوق و اشتیاق زیاد پیچ و خم جاده را طی می کردند.



زیارت شاه قاجار

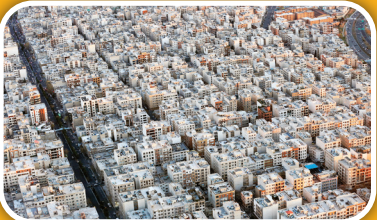
زیارت امامزاده داود (ع)، از زمان «قاجاریه» به یکی از عادات و تفریحات تهرانی ها تبدیل شده است. به همین دلیل «ناصرالدین شاه قاجار»، در قریه خوش آب و هوای «شهرستانک» که بسیار به این امامزاده (ع) نزدیک است، قصری ساخت تا پس از زیارت، در آنجا استراحت کند.



نذر مردم کن

از روزگار قدیم در قریه کن رسم بر این بوده که مردم در روزهای آخر هفته محصولات شان را به امامزاده داود می بردند و به عنوان نذر بین زائران تقسیم می کردند. عده ای که از تمکن مالی برخوردار بودند، ظروف و سماور مسی گران قیمت شان را نذر امامزاده می کردند تا حاجت شان روا شود. برخی قدیمی های کن نقل می کنند که در یک برهه ای تعداد ظروف مسی امامزاده به حدی زیاد شده بود که عده دیگری از اهالی به عنوان نذری، سفیدگرا ها به انبار امامزاده داود (ع) می بردند تا ظروف مسی را سفید کنند. بنابراین سنت نذری دادن در قریه کن فراتر از یک مراسم آیینی بوده و ریشه در سنت ها و سبک زندگی اهالی داشته است.

محله شطرنجی تهران



برخی محله ها در تهران از ۴ طرف باز بودند و به خیابان ها و بزرگراه های ریز و درشت شهری راه داشتند و ساکنانش به همین خاطر می پسندیدند که محله شان پررفت و آمد است و در آن برو و بیا جریان دارد. اما برخی تهرانی ها محله هایی را می پسندیدند که بن بست و دنج و کم تردد بودند و تنها محلی ها وارد آن می شدند. یکی از این محله های مدرن و دنج محله گیشای تهران بود که ساکنان آرامش طلب خودش را داشت. موضوع صلح و آرامش آن قدر برای اهالی محله گیشا مهم بود که بلوار شیب دار و اصلی خود را در دوره ای بلوار صلح نامیده بودند. البته در طول زمان و در تهرانی که همه چیز زنده است و در حال تغییر، این محله هم از شکل بن بست درآمد و از شمال به بزرگراه حکیم راه پیدا کرد، اما همچنان گیشا مدرن است و آرامش خود را حفظ کرده.

تاریخش

در دهه ۱۳۳۰ شمسی، آشریک تجاری به نام های کی نژاد و شاپوریان برای کارهای عمرانی و ساختمانی شرکتی تأسیس کردند و نامش را «کی شا» یا «گیشا» گذاشتند که از ترکیب ابتدای نام فامیلشان تشکیل می شد. آنها در همان سال ها زمین های بیابانی و خالی از سکنه محله گیشا را خریدند و قصد داشتند در آنجا برای سکونت کارکنان شرکت راه آهن خانه سازی کنند. این ساخت و ساز چند سالی طول کشید. چون گیشا با الگویرداری از شهرک های آمریکایی و با در نظر گرفتن اصول شهرسازی مدرن ساخته شد و البته در آن به زیرساخت هایی مثل سیستم فاضلاب شهری و تصفیه خانه آب شهری جداگانه و دیگر مسائل فنی توجه ویژه ای شده بود، این محله حاشیه شهر مورد توجه پایتخت نشینان قرار گرفت. البته اینکه چرا پروژه های ساختمانی کی شا به محله گیشا تغییر نام پیدا کرد معلوم نیست، اما هر چه هست این محله همچنان حال و هوای روزگار قدیم خود را حفظ کرده است.

رونق گیشا

برگزاری مسابقات ورزشی آسیایی در تهران و رفت و آمد ورزشکاران به ورزشگاه آرپامهران روزها با ورزشگاه آزادی امروز باعث تولد پلوی هوایی در بخش جنوبی محله گیشا شد و تردد را در آنجا راحت تر کرد؛ پلوی فلزی که شرکتی بلژیکی آن را ساخت و در اواخر دهه ۱۳۹۰ برچیده شد.

اهالی اش

اگر از مردم باصفای این محله بگذریم، وجود پارک، فرهنگسرا، موزه، بازارچه، مدرسه و مجتمع های تجاری این محله از تهران را به جایی همه چیز تمام بدل کرده که طرفداران خودش را دارد. در کنار دیگر مراکز آموزشی گیشا، در سال ۱۳۴۴ شمسی، مجتمع آموزشی ناشنوائیان نیرووز هم تأسیس شد که تا اکنون مشغول به ارائه خدمت است. محل زندگی هنرمندان بزرگی چون شهراب سپهری شاعر معاصر، جلیل شهناز نوازنده چیره دست تار و بسیاری از هنرمندان دیگر نیز در این محله بود.

اکنونش

این محله که این روزها به کوی نصر معروف است، تا سال ها از شمال به بزرگراه حکیم، از شرق به بوستان گفتگو و از غرب به بزرگراه شیخ فضل الله نوری محدود بود و تنها راه ورود و خروج ساکنانش از مسیر جنوب یعنی بزرگراه آل احمد امکان پذیر بود. اما ساخت و گسترش بزرگراه حکیم تردد را در این محله آسان تر کرد. کوی نصر، محله ای با کوچه های شطرنجی، همچنان از محله های پر طرفدار تهران است.

